Discourse of History
Print ISSN: 2383-1944
Online ISSN: 2783-235X
Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

Agricultural Problems in Khuzestan during the Second World War and Government Measures to Address Them (1941–1945)

Zahra ghalavand✉ [1], and **Fatemeh ghalavand** [2]

1.Assistant professor of history department of payame noor university, Iran.
E-mail: z.ghalavand@pnu.ac.ir

2.Assistant professor of history department of payame noor university, Iran
E-mail: f.ghalavand@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 2022-10-31
Received in revised form 2022-12-15
Accepted 2023-01-07
Available online 22 May 2026

Keywords:
Agriculture;
Khuzestan;
Allied Forces;
Second World War;
Government Measures.

ABSTRACT

The occupation of Iran by the Allied forces in September 1941 had severe and far-reaching political, social, and economic consequences for the country. During this period, the oil-rich province of Khuzestan came under the control of British and American forces. The presence of the Allies in the province created numerous difficulties in various aspects of people's lives, including agriculture. Furthermore, natural factors affecting agricultural production, particularly rainfall, were also unfavorable during these years, further exacerbating the agricultural situation in the province.

Using a library-based research method and a descriptive-analytical approach, this study examines the condition of agriculture in Khuzestan during the Allied occupation and investigates the measures adopted by the Iranian government to improve it. Based on historical sources, newspapers, and archival documents, the findings indicate that the Allied invasion and the consequences of their presence—including the shortage of transportation facilities, insecurity, abuses against farmers, the smuggling of agricultural products, and hoarding—together with natural factors such as insufficient rainfall during the years 1941 (except for the final months of the year) and 1944, as well as locust infestations, particularly in 1941 and 1943, inflicted considerable damage on agriculture in Khuzestan.

In response, the central government implemented a series of measures, including the enactment of regulations to combat hoarding and smuggling, the implementation of agricultural development programs, support for spring cultivation, the establishment of border marketplaces, and the deployment of agricultural experts to the province. Collectively, these policies succeeded in improving the agricultural conditions of Khuzestan to a certain extent.

Cite this article: Ghalavand, Z., & Ghalavand, F.,. (2026). Agricultural Problems in Khuzestan during the Second World War and Government Measures to Address Them (1941–1945)(.
Discourse of History, *20* (53), 32-54. https://doi.org/ 10.22034/SKH.2024.16042.1407

© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/ 10.22034/SKH.2024.16042.1407

سخن تاریخ
شاپا چاپی: ۱۹۴۴-۲۳۸۳
شاپا الکترونیکی: ۲۳۵X-۲۷۸۳
Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

بررسی مشکلات کشاورزی خوزستان در دوره جنگ جهانی دوم و تدابیر دولت برای حل آن(۱۳۲۴-۱۳۲۰ ش.)

زهرا قلاوند[1]✉، و فاطمه قلاوند[2]

۱. نویسنده مسئول، گروه تاریخ دانشگاه پیام نور.ایران. رایانامه: z.ghalavand@pnu.ac.ir

۲. گروه تاریخ دانشگاه پیام نور.ایران رایانامه: f.ghalavand@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۲۵

کلیدواژه‌ها:
کشاورزی،
خوزستان،
متفقین،
جنگ جهانی،
اقدامات دولت

چکیده

اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰ ش/ سپتامبر ۱۹۴۱ م، در زمینه‌ی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای کشور عواقب منفی جبران ناپذیری داشت. استان ثروت‌مند و نفت خیز خوزستان در این دوره تحت کنترل نیروهای انگلیسی و آمریکایی قرار گرفت؛ حضور متفقین در این استان مشکلات فراوانی را در تمام جوانب زندگی مردم از جمله کشاورزی به وجود آورد؛ علاوه بر آن عوامل طبیعی تاثیرگذار بر کشاورزی هم‌چون بارندگی نیز در این زمان در وضعیت چندان خوبی نبود. این موضوع نیز بر وضعیت کشاورزی استان تاثیر می‌گذاشت این پژوهش با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و گردآوری کتاب‌خانه‌ای و نگارش در صدد پاسخ‌گویی به چگونگی وضعیت کشاورزی خوزستان در دوره‌ی حضور متفقین و اقدامات دولت برای بهبود آن است؛ نتایج تحقیق که با بررسی منابع تاریخی، روزنامه‌ها و اسناد کتاب‌خانه‌ای انجام شده است؛ حاکی از آن است، که حمله‌ی متفقین و عواقب ناشی از حضور آنان از جمله کم شدن وسایل حمل و نقل، نا امنی و تعدی به کشاورزان، قاچاق محصولات، احتکار به انضمام عوامل طبیعی از جمله کمی بارندگی در سال‌های ۱۳۲۰ ش، (به جز ماه‌های آخر) و ۱۳۲۳ ش و هجوم ملخ‌ها به مزارع به‌خصوص در سال‌های ۱۳۲۰ ش و ۱۳۲۲ ش، موجب لطماتی به کشاورزی خوزستان شد؛ از این‌رو، دولت مرکزی با وضع قوانینی برای مبارزه با احتکار و قاچاق و هم‌چنین اجرای طرح‌های کشاورزی، حمایت از کشت بهاره، ایجاد بازارچه‌های مرزی و فرستادن کارشناسان خبره برای بهبود کشاورزی خوزستان تلاش کرد. دولت مرکزی در نهایت با این اقدامات توانست تا حدی وضعیت کشاورزی استان را بهبود دهد.

استناد: قلاوند، زهرا ؛ و قلاوند ، فاطمه؛ (۱۴۰۵). بررسی مشکلات کشاورزی خوزستان در دوره جنگ جهانی دوم و تدابیر دولت برای حل آن(۱۳۲۴-۱۳۲۰ ش.). *سخن تاریخ*، ۲۰ (۵۳)، ۵۴-۳۲. https://doi.org/10.22034/SKH.2024.16042.1407

ناشر: جامعهٔ المصطفی (ص) العالمیه. © نویسندگان.

مقدمه

ایران یکی از کشورهایی بود که علی‌رغم اعلام بی‌طرفی در جنگ جهانی دوم به‌علت اهمیت جغرافیایی و استراتژیک و منابع نفتی اش؛ مورد هجوم متفقین واقع شد و در نهایت کشور به پایگاه پشتیبانی متفقین از روسیه در مقابل آلمانی‌ها و به‌عبارتی، «پل پیروزی آنان» تبدیل شد. خوزستان به‌عنوان یکی از استان‌های ثروت‌مند و استراتژیک کشور از اواخر قاجاریه مورد طمع دولت‌های اروپایی بود؛ این استان در شهریور ۱۳۲۰ ش/ ۱۹۴۱ م، توسط نیروهای انگلیسی و آمریکایی اشغال شد؛ حضور نظامی متفقین و اقدامات و سیاست‌های اعمالی آن‌ها در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در استان خوزستان پیامدهای منفی زیادی داشت؛ کشاورزی یکی از بخش‌های اقتصادی بود که از حمله‌ی متفقین آسیب دید. هر چند دولت وقت علی‌رغم موانع و مشکلاتی که حضور متفقین در کشور ایجاد کرده بود، تلاش‌هایی در راستای بهبود وضعیت کشاورزی و معیشتی مردم انجام داد؛ این اقدامات نیز تغییر چندانی در وضعیت موجود، ایجاد نکرد. بررسی بازتاب حضور متفقین در کشور در دوره‌ی جنگ جهانی دوم از موضوعات قابل توجه برای تحقیقات تاریخی است. با این وجود اگرچه در پژوهش‌های ارزش‌مندی به بررسی ابعاد گوناگون حضور متفقین در ایران پرداخته شده است؛ اما موضوع کشاورزی و لطمات و زیان‌های حضور متفقین به آن و هم‌چنین اقدامات دولت در راستای کاهش اثرات سوء آن، در مناطق مختلف از جمله خوزستان کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است؛ میکائیل وحیدی فر، (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «سیاست کشاورزی دولت در دوره‌ی اشغال در جنگ جهانی دوم» به سیاست‌های کلان کشاورزی دولت در این دوره و هم‌چنین روند صادرات و واردات محصولات کشاورزی پرداخته است؛ نویسنده‌ی مقاله، وضعیت کشاورزی استان‌های کشور را در این زمان بررسی نکرده است. هم‌چنین بهروز طیرانی، (۱۳۷۲) در مقاله‌ی «جنگ جهانی دوم، قحطی و واکنش‌های مردمی در قبال آن در سال‌های ۱۳۲۴ - ۱۳۲۰» و مرتضی دهقان‌نژاد، و الهام لطفی، (۱۳۹۳) نیز، در مقاله‌ای با عنوان «کمبود مواد غذایی و شورش‌های مردم ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم ۱۳۲۴ - ۱۳۲۰ ش» به موضوع کمبود مواد غذایی در دوره‌ی اشغال و شورش‌های ناشی از آن و برخی اقدامات دولت برای کاهش قحطی‌ها در سطح ملی پرداخته اند. از آن‌جا که در خصوص وضعیت کشاورزی استان خوزستان در این دوره تا کنون تحقیق مستقلی انجام نشده است؛ این مقاله بر آن است، به این موضوع بپردازد؛ در این راستا در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای و اسناد ملی و روزنامه به پاسخ‌گویی به این سؤالات پرداخته خواهد شد مشکلات کشاورزی خوزستان در دوره‌ی اشغال چه بودند؟ دولت چه اقداماتی در راستای بهبود وضعیت

کشاورزی در این استان انجام داد؟

۱. کشاورزی خوزستان در دوره‌ی پهلوی اول

یکی از ارکان مهم اقتصادی در دوره‌ی پهلوی کشاورزی بود؛ رشد کشاورزی در این دوره از اهمیت زیادی برخوردار بود. خوزستان از جمله مناطقی بود که دولت پهلوی اول گسترش کشاورزی در آن را در نظر داشت؛ بنابراین، اقداماتی در این زمینه در استان انجام شد. در گزارش کفیل حکومت آبادان به وزارت داخله در سال ۱۳۰۶ ش، آمده است که رعایای این محل جز غرس کردن نخیلات زراعت دیگری نداشته و بسیاری از محصولات کشاورزی چون پیاز و سیب زمینی، گندم و غیره را از بین النهرین وارد می‌کنند. وی در این نامه تقاضا کرد تا عده‌ای از زارعان سایر مناطق خوزستان برای زراعت به آبادان اعزام شوند، تا کشاورزی این منطقه گسترش یابد (روزنامه کوشش، ۱۳۰۶، شماره‌ی ۴۱: ۳). هم‌چنین با هجوم ملخ‌ها به مزارع بهبهان در اسفند ۱۳۰۶ ش، و به خطر افتادن کشاورزی این منطقه، وزارت داخله نامه‌ای به وزارت‌خانه‌های مالیه و فواید عامه نوشته و تقاضای اقدام لازم برای مبارزه با حمله‌ی ملخ‌ها را کردند (روزنامه ستاره ایران، ۱۳۰۶، شماره‌ی ۱۸۳: ۲). با شیوع خشک‌سالی در خوزستان در سال ۱۳۰۹ ش، عده‌ی زیادی از زارعان خوزستان از این منطقه به نقاط دیگر مهاجرت کردند؛ بنابراین، دولت بر آن شد که کشاورزی به ویژه کاشت خرما را مورد توجه قرار دهد (ساکما: ۹۹۱۹- ۲۴۰). از این رو با پیگیری وزارت مالیه، تسهیلات جدیدی برای صدور خرمای خوزستان درنظر گرفته شد؛ در نتیجه خریداران خارجی محصول می‌توانستند پول روپیه وارد ایران نمایند و با اطلاع بانک ملی به مصرف خرید و صدور خرما برسانند؛ ضمن این‌که معافیت‌های در گمرک در نظر گرفته شد؛ تسهیلاتی نیز در باب وارد کردن ملزومات بسته‌بندی خرما در نظر گرفته شد (همان). در نتیجه این اقدامات تشویقی، محصول خرمای خوزستان در سال ۱۳۱۰ش، افزایش یافت و هشت میلیون من خرما از ایران به نواحی مجاور صادر شد که در مقایسه با سال‌های گذشته رشد چشم‌گیری داشت (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی هشتم قانون‌گذاری، جلسه‌ی ۵۷، ۲۳ آذر ۱۳۱۰ ش).

هم‌چنین با توجه به کمبود آب برای کشاورزی در خوزستان، در سال ۱۳۱۵ ش، از طرف شرکت سهامی آب‌یاری ایران و اداره‌ی کل غلات، کارشناسی به شوشتر اعزام شد، تا با بررسی وضعیت نهر داریان به بررسی امکان استفاده از آب این نهر برای گسترش سطح زمین‌های زیرکشت این منطقه بپردازد (شجاعی دیوکلایی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). از سوی دیگر دولت تصمیم گرفت؛ برای گسترش کشاورزی در این منطقه و آبادانی آن به اسکان عشایر در خوزستان بپردازد؛ نامه‌های متعدد رییس کل فلاحت خوزستان که در آن خواستار اسکان عشایر بختیاری در

خوزستان برای گسترش کشاورزی در آن بود؛ مؤید این خواست دولت مرکزی بود. پیرو نامه‌ی ریاست فلاحیه‌ی خوزستان در سال ۱۳۱۵ ش، عده‌ای از عشایر بختیاری از هفت لنگ بختیاری بالاجبار به خوزستان کوچانده شدند (پور بختیار، ۱۳۸۶: ۴۶).

اداره‌ی کل فلاحت در آبان سال ۱۳۱۵ ش، با اعزام نماینده به استان خوزستان ضمن اعلام ممنوعیت کشت شلتوک و تریاک در برخی شهرهای این استان مانند ایذه و داران به زارعان وعده‌ای اعطای مساعده چهارصد ریالی در عودت کشت پنبه به جای شلتوک و تریاک را داد (شجاعی دیوکلایی، پیشین: ۱۲۶). با این وجود هم‌چنان در این دوره در کشاورزی این منطقه مشکلاتی وجود داشت؛ از جمله این‌که در خصوص سهم مالک و زارع در محصول علی‌رغم این که در ۲۵ شهریور سال ۱۳۱۸ ش، قانونی راجع به تعیین سهم آن‌ها طی ۱۴ ماده وضع شد؛ اما این قانون در استان اجرایی نشد؛ در خوزستان در ناحیه‌ی دزفول مالک از زمین یک هفتم تا یک هشتم می‌برد. هر دو در زیدون به‌طور مقطوع از هر جفت گاو ۹۰۰ کیلو گندم و سی‌صد کیلو کاه مالک می‌گرفتند (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۵۱۱، ۱۷ تیر ۱۳۲۳: ۴).

۲. تهاجم نیروهای متفقین به خوزستان

ایران در جنگ جهانی دوم خط ارتباطی مهم میان شوروی و متحدان آن‌ها به شمار می‌رفت (الهی، ۱۳۷۱: ۱۷۳). مسیر ایران، کم هزینه‌ترین، کوتاه‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای حمل تدارکات و مهمات جنگی شوروی بود (چرچیل، ۱۳۶۱: ۳۲۳؛ اسکرین، ۱۳۶۳: ۱۵۶؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۷۲: ۱۱). از سوی دیگر، نفت ایران به‌خصوص پالایش‌گاه بزرگ آبادان برای تامین سوخت برای متفقین؛ ضروری می‌نمود (آبادیان، ۱۳۸۵: ۱۹۷؛ ساکما: ۶۷۵۴/ ۲۴۰).

با شروع جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۳۹ م، (۱۳۱۸ ش)، دولت ایران با صدور اطلاعیه‌ی رسمی در نهم شهریور همان سال تصمیم خود را مبنی بر این‌که در این کارزار بی‌طرف بماند؛ به اطلاع دولت‌های متحارب رساند؛ اما متفقین در ۲۵ اوت ۱۹۴۱ م، (۳ شهریور ۱۳۲۰)، به خاک کشور هجوم آوردند. در این زمان دریادار بایندر، فرمانده‌ی نیروی دریایی، به فرماندهی امور دفاعی بنادر خوزستان منصوب شد. رضاشاه بر اهمیت استراتژیک آبادان و خرمشهر واقف بود؛ به همین دلیل، دریادار بایندر را که از افسران مورد اعتماد خود و از بنیان‌گذاران نیروی دریایی ایران بود، به این مقام منصوب کرد (استوارت، ۱۳۷۰: ۱۳۱). نیرویی معادل یک تیپ از لشکر خوزستان در اختیار وی قرار گرفت. متعاقب آن استحکامات و مواضع دفاعی و چند آشیانه مسلسل بین خرمشهر تا شط العرب و خرمشهر و آبادان به دستور وی احداث شد. در اطراف

پالایش‌گاه آبادان نیز، یک رشته تدابیر امنیتی اتخاذ شد (نخجوانی، ۱۳۵۴: ۲۲۱). در نهایت در ۸ شهریور ۱۳۲۰ ش، (۳۰ اوت۱۹۴۱ م)، نیروهای بریتانیا، به بندر شاپور و خرمشهر حمله کردند. در این حملات، دریادار بایندر فرمانده نیروی دریایی به همراه گروهی از افسران، درجه داران و سربازان ایرانی علی‌رغم رشادت فراوان کشته شدند (همان). در درگیرهای ارتش به فرماندهی شاه بختی با متفقین در خرمشهر تلفات قابل ملاحظه‌ای برنیروهای نظامی خوزستان وارد شد (سرتیپ همایونی، همان، نوار شماره ۲؛ مذاکرات مجلس دوازدهم، دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۲۰؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷: ۷۳). نیروهای متفقین با شکست نیروهای ارتش در شهریور ۱۳۲۰ به خوزستان وارد شدند و در آن‌جا مستقر گردیدند.

۳. بسترهای ناامنی در کشاورزی خوزستان در دوره‌ی جنگ جهانی دوم

۳٫۱. بلایای طبیعی (خشک‌سالی و ملخ زدگی)

در سال‌های ۱۳۲۰ – ۱۳۱۷ ش، خشک‌سالی وسیعی ایران را فرا گرفت که طی آن محصول گندم و جو کاهش یافت و به واسطه این خشک‌سالی چند ساله انبارهای کشور خالی ماند (گل‌شائیان، ۱۳۷۷: ۳۸۳ - ۳۸۱). در همین زمان کمی بارندگی باعث از بین رفتن کشت دیم جنوب غرب ایران شد؛ بر اساس گزارش وزارت خوار و بار ایران خوزستان بیش از همه در مضیقه‌ی مواد غذایی قرار داشت (فرخ، بی‌تا: ۵۲۳). یکی از علل کمبود مواد غذایی را در «بد بودن» محصول غله سال ۱۳۲۰ ش، باید دانست (روزنامه اطلاعات، شماره ۴۸۴۴، ۲۲ فروردین ۱۳۲۱: ۱). علت دیگر به‌خاطر مصادف شدن زمان ورود متفقین به ایران با اواخر فصل برداشت سال ۱۳۲۰ ش و آغاز فصل کشت سال بعدی بود. در چنین شرایطی که جامعه به‌خاطر ورود متفقین به کشور و استعفای رضا شاه دچار هرج و مرج شده بود، جمع‌آوری محصول به‌خوبی انجام نشد (ساکما، ۰۰۲۷۹۷ / ۳۱۰). یکی دیگر از دلایل کم شدن محصولات کشاورزی درخوزستان، شکسته شدن سد کرخه در این زمان بود که موجب لم یزرع شدن اغلب زمین‌های زیر کشت آب کارون، دشت میشان و به‌خصوص، هویزه شد. در تابستان و پاییز آب رودخانه‌ها در این مناطق خشک می‌شد؛ بنابراین، سدبندی کرخه و کارون از خواست‌های کشاورزان خوزستان در این دوره بود (روزنامه اطلاعات شماره ۴۷۱۷: ۱۳ آذر ۱۳۲۰: ۳).

در اواخر سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ ش، بارندگی در خوزستان خوب بود (روزنامه اطلاعات، شماره ۴۷۴۷، ۳ دی ۱۳۲۰: ۳؛ مذاکرات مجلس، دوره‌ی ۱۳، ۲۴ آبان ۱۳۲۱ ش، جلسه ۱۰۹). در نتیجه در سال ۱۳۲۱ ش، محصول نسبتا خوب بود؛ اما در برخی موارد مأموران وزارت اقتصاد (خوار و بار بعدی) با زور و یا رشوه، غله را از چنگ زمین‌داران در می‌آوردند و خودشان احتکار

می‌کردند (اسکراین، ۱۳۶۳: ۲۶۰). در سال ۱۳۲۲ ش، نیز، بارندگی در خوزستان خوب و برای کشاورزی مناسب بود (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۴۲۲، ۲۸ اسفند ۱۳۲۲: ۱). گزارش‌های سال ۱۳۲۲ ش، حاکی از فراوانی محصولات کشاورزی در این سال و بهبود قیمت اقلام خوراکی است؛ در نتیجه در برخی شهرهای خوزستان از جمله رامهرمز، اهالی مازاد گندم خود را به دل‌خواه به دولت می‌فروختند و در مقابل یک من گندم به وزن (۵۰ کیلو) یک کیلو شکر به قیمت ۱۸۰ ریال دریافت می‌کنند (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۳۱۹، ۲۱ آبان ۱۳۲۲: ۱). محصول گندم دزفول نیز، در این سال فراوان بود و قیمت گندم از خرواری ۳٫۲۰۰ ریال به ۱/۶۰۰ ریال رسید (همان، شماره‌ی ۵۱۱۱۴، یکشنبه ۱۵ آبان ۱۳۲۲: ۱).

بارندگی سال ۱۳۲۳ ش، بسیار کم بود؛ در نتیجه محصول سال ۱۳۲۳ ش، نیز کم بود؛ برداشت در این سال حتی به اندازه‌ی کشت نبود (همان، ۱۳۲۳/۳/۱۴، شماره ۵۴۸۳: ۴). به همین دلیل بسیاری از جنگل و باغ‌های کشاورزی شهرهای خوزستان از جمله بهبهان رو به خشکی گذاشت (همان، شماره‌ی ۵۵۶۰، ۱۶ شهریور ۱۳۲۳: ۴). محصول بهبهان در این سال حتی به اندازه‌ی کشت نبود، زراعت جو و گندم در این شهر، به اندازه‌ای بد بود که بیش‌تر زارعان از درو خودداری کرده و کشت را به حال خود گذاشتند (همان، ۱۴ خرداد ۱۳۲۳، شماره‌ی ۵۴۸۳، ۴).

یکی دیگر از عواملی که به کشاورزی خوزستان در این دوره زمانی آسیب زد؛ هجوم ملخ‌ها به مزارع کشاورزی بود؛ در سال ۱۳۲۰ ش، ملخ دریایی در بهبهان پیدا شد (همان، ۱۱ دی ماه ۱۳۲۰، شماره‌ی ۴۷۵۵: ۱). در سال ۱۳۲۲ ش، مجددا هجوم ملخ‌ها در برخی مناطق خوزستان آغاز شد؛ ملخ‌ها تا حدود هندیجان پرواز کرده و برگشتند (همان، دوشنبه ۶ تیر ۱۳۲۲، شماره‌ی ۵۲۰۷: ۴).

۲٫۳. حمل و نقل

ایران در دوره‌ی جنگ جهانی دوم خط ارتباطی مهم میان شوروی و متحدان آن‌ها به شمار می‌رفت (الهی، پیشین: ۱۷۳). وسایل حمل و نقل کشوری در دوره‌ی اشغال در اختیار متفقین قرار گرفت؛ علاوه بر این‌که راه آهن کشور در این زمان در اختیار متفقین قرار گرفته بود؛ بخش زیادی از کامیون‌های موجود در کشور نیز، در اختیار آنان بود. قبل از شهریور ۱۳۲۰ ش/ اوت ۱۹۴۱ م، ۴ هزار دستگاه کامیون برای رفع نیازهای ایران موجود بود؛ اما بعد از اشغال ایران، ۶۰۰ دستگاه را مأموران شوروی مصادره کردند و انگلیسی‌ها نیز ۲ هزار دستگاه از کامیون‌های ایران را برای حمل و نقل مهمات و دیگر اقلام از جنوب به شمال ایران تصاحب کردند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۲۷). حتی شرکت حمل و نقل که در این زمان زیر نظر انگلیس فعالیت می‌کرد؛ مدعی بود که توزیع

لاستیک و لوازم یدکی که آمریکا به ایران می‌دهد، نیز، زیر نظر انگلیسی‌ها انجام می‌شود (ساکما: ۱۰۲۸۰ / ۳۱۰). بدین ترتیب، متفقین نزدیک به ۷۰ درصد شبکه‌ی توزیع و حمل و نقل و نیمی از کامیون‌های دولتی را در اختیار داشتند. در گزارشی در مورد وضعیت ۸۰۰ کامیون دولتی باقی‌مانده که برای باربری در اختیار دولت ایران بود، نشان می‌دهد که برخی متصدیان حمل و نقل به‌طور قاچاقی کامیون‌ها را در اختیار ملاکین اطراف تهران برای حمل تره بار قرار داده و یا به تعدادی از بازرگانانی اجاره می‌دادند تا کالاهای بازرگانی را به برخی ایالات حمل کنند (ساکما: ۱۶۱۲/ ۲۴۰). بدین صورت کامیونی در اختیار ساکنان مناطق دورتر باقی نمی‌ماند که با آن بتوانند، محصولات کشاورزی را وارد یا خارج کنند.

در خوزستان گذشته از راه آهن سراسری، راه شوسه نیز، در اختیار متفقین بود و از این طریق اسلحه و مواد غذایی به طرف شوروی فرستاده می‌شد؛ بدین ترتیب که در خرمشهر بارها از کشتی تخلیه می‌شدند و روزانه کاروان تریلی وسایل را به اهواز می‌آوردند و از آن‌جا به اندیمشک و سپس در خرم آباد تحویل روس‌ها می‌دادند (امام اهوازی، ۱۳۷۹: ۵۲۲ - ۵۲۱). کمبود وسایل حمل و نقل باعث خراب شدن مقدار زیادی از غله و سایر محصولات کشاورزی خوزستان و اقلام کشاورزی وارداتی به این استان می‌شد؛ در تلگرافی از طرف دولت ایران در تاریخ ۱۳۲۱/۷/۷ به سفارت انگلیس در لندن، ضمن اعلام این‌که نزدیک ده هزار تن گندم، قند و شکر و غیره متعلق به دولت و تجار قریب ۸ ماه هست در بنادر جنوب مانده و در حال خراب شدن است؛ درخواست مجوز برای استفاده از راه آهن برای حمل آن‌ها شده است (ساکما، ۱۰۲۸۰/ ۳۱۰). در همین زمان وضعیت حمل خرمای خوزستان که در سبد غذایی قشر ضعیف جامعه از اهمیت برخوردار بود، در شرایط بدی قرار داشت (همان: ۱۷۰۸۰ / ۳۱۰).

خرمای زارعان در سال ۱۳۲۱ ش، به علت گرمای هوا و نبود وسایل حمل و نقل خراب شد. در همین سال پس از آن‌که هزار تن خرما در اهواز به سبب گرمای هوا فاسد شد، شکایتی از استان‌داری خوزستان مبتنی بر تاثیر منفی دخالت مقامات اداری در حمل و نقل خرما صورت گرفت. متعاقب آن دستور پیگیری قضایی برای دیوان بیگی استان‌دار وقت این استان صادر شد (کمام، ۱۳۴/۱/۳۸/۲۶/۱۳-۱۰۱۱؛ مذاکرات مجلس، دوره‌ی ۱۸ م، جلسه ۱۰۹: ۲۷. فروردین ۱۳۳۴). شکایات متعددی از بازرگانان خرمای خوزستان به ویژه خرمشهر در این زمان موجود است؛ آنان خواستار تهیه‌ی امکاناتی برای صادرات خرما بودند، تا بیش از این محصول خرما در خوزستان از بین نرود (روزنامه اطلاعات، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۲: شماره ۵۱۷۲: ۴). هم‌چنین ضیاءالدین نقابت نماینده‌ی خرمشهر در خرداد ۱۳۲۲ ش، در مجلس به کمبود واگن جهت حمل

خرما به نواحی مجاور اعتراض کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره‌ی سیزدهم، جلسه‌ی ۱۶۳، ۱ خرداد ۱۳۲۲).

۳٫۳. مهاجرت کشاورزان و اشتغال به‌کارآنان برای متفقین

خوزستان در سایه‌ی توجه متفقین به نفت و راه آهن در بعد کشاورزی خسارات سنگینی متحمل شد و بخش عمده‌ای از خاک حاصل‌خیز استان در نتیجه‌ی تعطیلی مزارع و مهاجرت نیروی انسانی نابود شد. در این زمان ۷۰ هزار نفر کشاورز کار خود را در روستا رها کرده و به‌صورت کارگر برای متفقین کار می‌کردند. انگلیسی‌ها با استخدام این تعداد، از کشاورزان، در واقع، کشاورزی کشور را دچار اختلال کرده بودند (ساکما، ۱۰۲۸۰/ ۳۱۰؛ فوران، ۱۳۸۶: ۳۹۹). بیش‌تر کارگران مؤسسات و کارخانه‌های متفقین در خوزستان را کشاورزان خوزستانی و لرستانی تشکیل می‌دادند. این افراد حتی پس از پایان حضور متفقین و بسته شدن مؤسسات و بی‌کاری جذب حزب توده شدند و تا مدت‌ها به زمین‌های کشاورزی بازنگشتند (طیرانی، ۱۳۸۴: ۵۰۳). تنها در اندیمشک ده هزار کارگر در پروژه‌های مربوط به متفقین کار می‌کردند (روزنامه اطلاعات، شماره ۵۵۶۰، ۱۶ شهریور ۱۳۲۳: ۱). این کاهش نیروهای فعال در مزارع، کاهش زمین زیر کشت، کمبود محصول و قحطی را در خوزستان به همراه داشت. از سوی دیگر، مهاجران زیادی در این زمان از شهرهای مجاور از جمله گناوه به خوزستان و آبادان آمدند. بالا رفتن جمعیت در نتیجه این مهاجرت‌ها نیز، در کمبود اقلام غذایی تاثیر داشت (ساکما، ۱۷۰۶۱/ ۳۱۰).

۳٫۴. ممنوعیت کاشت (برنج) یا صدور برخی اقلام کشاورزی صادراتی در خوزستان (خرما)

در سال‌های ورود متفقین کاشت برنج در خوزستان موقوف بود (روزنامه اطلاعات، شماره ۴۸۴۴، ۲۲ فروردین ۱۳۲۱: ۱). این موضوع موجب می‌شد که برای تهیه برنج مورد نیاز مردم خوزستان لازم باشد که برنج از شمال به جنوب حمل شود. در نتیجه این محصول به‌خاطر هزینه‌ی حمل و نقل با قیمت بالا به دست مردم خوزستان می‌رسید و بسیاری از افراد توانایی تهیه‌ی آن را نداشتند. در نهایت با حذف برنج در این زمان بسیاری از مردم تنها، به مصرف نان پرداختند. این موضوع نیز موجب افزایش نیاز به گندم و متعاقب آن کمبود و گرانی آن در خوزستان شد (همان، شماره ۴۸۴۴، ۲۲ فروردین ۱۳۲۱: ۱). از سوی دیگر، وزارت دارایی نیز، با صدور حکمی به اداره‌ی کل گمرکات بنادر جنوب از صدور تمام خوار و بار به ویژه خرما به خارج کشور جلوگیری به عمل آورد. بدین ترتیب با شروع جنگ ضربه‌ی سهمگینی بر صادرات خرمای جنوب که نقش بسزایی در خلیج فارس ایفا می‌کرد، وارد آمد (ساکما، ۱۶۶۴۰ - ۲۴۰). متعاقب آن، شکایات متعددی در مورد صدور خرما از خوزستان به ویژه از خرمشهر به مجلس ارسال شده است

(روزنامه اطلاعات، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۲، شماره‌ی ۵۱۷۲: ۱). نخل کاران خواهان اجازه صدور خرما به خارج از کشور بودند (کمام، ۱۰۱۱/۹۶/۲۹/۱/۲۰۴-۱۲). با وجود تمامی این اعتراضات در سال ۱۳۲۴ ش، نیز، صدور خرما ممنوع اعلام شد و خروج خرما به کشورهای اروپا و آمریکا تنها به‌صورت بسته‌بندی و توسط بازرگانان و شرکت‌هایی که دارای پرونده‌ی صدور از وزارت بازرگانی هستند؛ امکان‌پذیر شد (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۷۴۶، ۹ اردیبهشت ۱۳۲۴: ۱).

۵/۳. قحطی و کمبود مواد غذایی

در این دوره، کشور با کمبود اقلام خوراکی مواجه بود. از آن‌جایی که بیش‌تر محصول گندم و برنج شمال و خراسان را شوروی‌ها بر می‌داشتند؛ دولت وقت در نامه‌ای به انگلیسی‌ها پیشنهاد داد که به جای برنج و گندمی که روس‌ها از شمال برمی‌دارند؛ انگلیسی‌ها برنج و گندم به جنوب تحویل بدهند؛ اما انگلیسی‌ها به این درخواست توجه و اعتنایی نکردند (ساکما، ۱۰۲۸۰/ ۳۱۰). کمبود نان و خوار و بار در سال ۱۳۲۱ ش، در شهرهای خوزستان از جمله اهواز و شوشتر (همان، ۱۷۹۲/ ۲۹۰). خرمشهر (همان، ۱۸۲۰/ ۲۹۰). بهبهان (همان، ۱۱۴۰ / ۲۹۰). گزارش شده است. در نتیجه قیمت گندم و نان در خوزستان افزایش یافت؛ به‌گونه‌ی که در دزفول قیمت هر کیلو نان به شش ریال رسیده، آرد مخلوط با سبوس هر کیلو هفت و نیم ریال شد (روزنامه اطلاعات، ۴۸۱۶، ۱۵ اسفند ۱۳۲۰: ۱). علاوه بر نان برخی کالاهای دیگر هم گران شدند و همین امر دولت را بر آن داشت که برای اولین بار قند، شکر و پارچه‌های نخی را مشمول جیره بندی نمایند (جلال‌پور، ۱۳۹۱: ۱). علی‌رغم جیره‌بندی کالاهای اساسی مانند قند و شکر توسط دولت که با توزیع کوپن کالاهای اساسی سعی داشت موارد خوراکی را با قیمت مناسب‌تری به دست مردم برساند، در برخی شهرستان‌ها و استان‌های دور از پایتخت کشور هم‌چون خوزستان، بی‌نظمی و تبعیض‌های فراوان وجود داشت؛ برای نمونه با این‌که برای توزیع کالا در خوزستان در سال ۱۳۲۲ ش، به طوایف بنی طرف، شادگان، بویراحمدی، عرب‌ها، باوی و لالیه و سایر ایالات و عشایر دستور داده شده که نفوس و قیمت کالاهای مورد نیاز خود را به دارایی شهر مربوط تحویل دهند (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۵۴۵، ۳۰ مرداد ۱۳۲۲: ۴). اما در همین سال در دشت میشان که از مناطق مهم خالصه‌ی خوزستان و بالغ بر دویست هزار نفوس داشت، خبر می‌رسد که تنها، شانزده هزار کوپن تقسیم و اجناس انحصاری دولت به‌خصوص قماش به اهالی آن منطقه به مدت چند ماه نرسیده است. از این‌رو، کشاورزان در وضعیت سخت معیشتی قرار داشتند. با پیگیری‌های قلی فرهودی نماینده‌ی مجلس، اداره‌ی تثبیت قیمت‌ها به پیش‌کار دارایی خوزستان دستور داد که در توزیع عادلانه‌ی اجناس انحصاری میان اهالی دشت میشان اقدام جدی و سریع به عمل آورند

(همان، شماره‌ی ۵۳۸۶، ۱۲ بهمن ۱۳۲۲: ۱). زارعان رامهرمز نیز، طی تلگرافی به روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۲۳ ش، اعلام کردند که از بدو تأسیس اداره‌ی قماش در خوزستان قماشی دریافت نکرده اند (همان، شماره‌ی ۵۴۵۶، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۳: ۴). بنا به یک گزارش، مسؤولان پخش کوپن‌های خرمشهر، کوپن‌های شکر، چای و سیگار و قماش شهر را خریداری و عواید آن را برای خود شان بر می‌داشتند (همان، شماره‌ی ۵۴۵۰، ۶ اردیبهشت ۱۳۲۳: شماره‌ی ۵۴۵۰: ۴). هم‌چنین در اندیمشک نیز در سال ۱۳۲۳ ش، کوپن توزیع نشده و اجناس انحصاری به کسی داده نشده بود (همان، شماره‌ی ۵۴۸۴، ۱۵خرداد ۱۳۲۳: ۴).

با وقوع بی‌نظمی در تهیه‌ی سهمیه‌ها تصمیم بر آن شد که رؤسای قبایل خوزستان و کدخداهای این استان به نمایندگی ۲۵۰/۰۰۰ نفوس مشغول تهیه‌ی صورت‌هایی برای توزیع کالای انحصاری شوند. این نواحی شامل دزفول، شوشتر، رامهرمز، قبایل بنی طرف، دشت میشان، بویر احمد، سردسیر، بهمه و پشت باوی بود؛ به گزارش روزنامه اطلاعات با این روش در طی چند ماه ۲۱۰۰۰۰ سهمیه دریافت شده است و ۳۰۰۰۰۰ هزار نفر نیز تا انقضای دو ماه دیگر سهمیه‌ی خود را دریافت خواهند داشت (همان، شماره‌ی ۵۵۱۲، ۱۸ تیر ۱۳۲۳: ۴). هم‌چنین اداره‌ی دارایی خرمشهر مبلغ ۱۵۰۰۰۰ ریال سرمایه گذاشته و مقداری گندم و جو خریداری کرده به تناسب دکان‌هایی نانوایی همه روزه تقسیم می‌کنند که اهالی از حیث گرفتن نان در مضیقه نباشند (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۲۹۲). اما با این وجود در توزیع اقلام مورد نیاز تا پایان اشغال هم‌چنان مشکلات و بی‌نظمی‌ها به چشم می‌خورد؛ به نحوی که حتی در ۷ ماه اول ۱۳۲۴ ش، که جنگ در بسیاری از جبهه‌ها پایان یافته و بر مقدار موجودی کالاهای اساسی افزوده شده بود، تقسیم سهمیه‌ی کوپن در خوزستان هنوز هم با مشکل مواجه بود؛ برای نمونه در این زمان هیچ نوع قند و شکر سهمیه‌ای بین مردم اندیمشک و دزفول پخش نشده بود و دفترچه‌های جیره‌بندی بدون استفاده در دست اهالی باقی مانده بود (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۸۸۶، ۲۶ مهر ۱۳۲۴: ۶؛ همان، شماره ۵۸۸۷، ۲۸ مهر ۱۳۲۴: ۶).

۶٫۳. نا امنی و تعدیات

ناامنی در خوزستان در اثر اشغال نظامی آن توسط متفقین افزایش یافت؛ در نتیجه کشاورزان نیز مانند سایر اقشار جامعه، مورد تعدی و ستم قرار می‌گرفتند. در این زمان گزارش‌هایی از تصرف زمین‌های تعدادی از زارعان خوزستانی توسط متفقین موجود است؛ از آن جمله شکایت یکی از روستائیان خرمشهر به وزارت کشاورزی در خصوص تصرف بخشی از نخلستان وی از سوی متفقین و عدم رفع تصرف آن به دستور شهردار خرمشهر (ساکما، ۴۵۷۲۱ / ۲۳۰). هم‌چنین

صورت جلسه‌ی رییس اداره‌ی دارایی آبادان که به‌منظور گزارش اشغال برخی از زمین‌های اهالی آبادان توسط متفقین به تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۲۴ ش، تنظیم شده است. در این صورت جلسه به دو، سه قطعه زمین اشاره شده است که برای احداث بیمارستان موقت سربازان متفقین، میدان هواپیما و موسسات و مونتاژ هواپیمایی متفقین از نیمه سال ۱۳۲۰ ش، اشغال شده و مورد استفاده‌ی نیروهای متفقین قرار گرفته است (ساکما، ۱۷۳۸۹ - ۲۴۰). هم‌چنین سه ساختمان از بلوک‌های متعلق به وزارت کشاورزی از فروردین ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۲۴ ش، در تصرف نیروهای انگلیسی بود (همان).

تعدیات به کشاورزان تنها از سوی متفقین انجام نمی‌شد، بلکه شکایت‌های متعددی از زارعان نسبت به تعدی مقامات محلی نیز، موجود است به‌عنوان نمونه؛ از جمله شکایت تعدادی از کشاورزان و زارعان رامهرمزی از فرمان‌دار و تعدادی از اعضای نظامی رامهرمز که در سال ۱۳۲۱ ش، انجام شده است (همان، ۳۱۶۵۲/ ۳۱۰).

در شرایط نابسامان اقتصادی و امنیتی جنگ، دزدی و سرقت در درون اماکن دولتی نیز افزایش یافت. در سال ۱۳۲۲ ش، گزارشی از تخلفات کارپرداز شرکت کشاورزی خوزستان و دزدی و فروش یک تن گندم توسط وی داده شده است (همان: ۴۵۹۴۲/ ۲۳۰). تعدادی از ایلات و عشایر نیز، در مواردی موجبات ایجاد ناامنی در روستاها و مناطق کشاورزی خوزستان را فراهم کردند. در گزارشی از اداره‌ی دارایی بخش طوف سفید به اهواز آمده است که برخی به خوانین بختیاری سعی دارند که از کشاورزان و مردم ایلات، مالیات بگیرند و این موضوع موجب مزاحمت برای مردم منطقه شده است (همان: ۱۶۱۲/ ۲۴۰). هم‌چنین در درگیری که تعدادی از ایلات در منطقه‌ی میان آب در نزدیکی اهواز بر پا کردند؛ چند نفر نظامی به قتل رسید. آشوب گران ماموران مالیاتی را زندانی کردند و هم‌چنین چند روستا در شوشتر را غارت و چپاول کردند. این رویدادها موجب ترس و وحشت کشاورزان در این مناطق شده بود (تبرائیان، ۱۳۷۱: سند شماره‌ی ۲۸۹؛ قائم مقامی، ۱۳۲۴: ۶۳). چندین گزارش در مورد دستبرد به اعضای «شرکت کشاورزی» که برای بهبود وضعیت کشاورزی خوزستان به این استان اعزام شده بودند؛ مربوط به سال ۱۳۲۳ ش، موجود است (همایونی، ۱۹۸۴: نوار شماره‌ی ۳؛ ساکما: ۶۴۱۸۶/ ۳۱۰). کلنل نوئل، رییس شرکت کشاورزی در یکی از دستبردها مضروب شد (ساکما: ۳۲۱۷/ ۳۱۰؛ ۴۰۷۸/ ۲۹۳). در این زمان در راه‌ها و شهرها نیز امنیت وجود نداشت ؛ در پی این نا امنی ها گاهی دزدان راه کامیونهای حمل بارهای کشاورزی را بسته و اجناس آن را به سرقت می بردند (اطلاعات، شماره‌ی ۴۷۳۰: ۱۶ آذر ۱۳۲۰).

۳٫۷. احتکار

قشون دولت انگلستان و شوروی پس از اشغال کشور متعهد شده بودند، که از حیث خوار و بار و لوازم زندگی و سایر حوائج آنان، تحمیلی بر مردم مناطق اشغالی صورت نگیرد و مضیقه‌ای نیز پیش نیاید (خان ملک یزدی، ۱۳۲۳: ۷۳). اما با ورود متفقین به مقوله‌ی اقلام کشاورزی و غذایی و تهیه آن از ایران، تعدادی از تولیدکنندگان و فروشندگان به امید افزایش قیمت، اجناس خود را به بازار عرضه نمی‌کردند، بلکه به احتکار می‌پرداختند (ساکما: ۰۰۰۳۱ - ۲۹۰). این موضوع موجب کاهش اقلام غذایی در کشور شد. در راستای مبارزه با احتکار دولت لایحه‌ی جلوگیری از احتکار را به مجلس تقدیم کرد که در ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ ش، تصویب شد (همان: ۱۴۳۹/ ۲۴۰). در ۴ اردیبهشت ۱۳۲۱ ش، آیین نامه اجرای قانون جلوگیری از احتکار گندم و جو از وزارت دارایی منتشر شد که بر اساس آن کلیه‌ی مالکین موظف بودند مازاد محصول خود و آن‌چه را از رعایا و کشاورزان خریداری کرده بودند را پس از مصرف عائله خود و هزینه‌ی عادی ملک طبق معمول محل و بذر و مساعده (در نقاطی که بذر با مالک است) به نزدیک‌ترین شعبه دارایی تحویل داده و بهای آن را به نرخ مقرر دریافت کنند (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۴۸۵۷، ۴ اردیبهشت ۱۳۲۱: ۱). با وجود افزایش قیمت تضمینی خرید گندم توسط دولت از آن‌جایی که قیمت آن هنوز با قیمت بازار متفاوت بود و هم‌چنان قیمت گندم در کشورهای همسایه از ایران گران‌تر بود؛ برخی از مالکان هم‌چنان دست به احتکار محصول گندم میزدند و به بهانه‌هایی هم‌چون کاهش تولید، خشک‌سالی و آفت از دادن محصول خود به دولت امتناع می‌کردند، تا آن را با قیمت بالاتر در بازار آزاد بفروشند و یا آن را به کشورهای همسایه قاچاق می‌گردند (ساکما: ۵۴۵/ ۲۶۰/ ۹۷؛ ۹۴۷۷/ ۹۷۲۹۳). گاهی متفقین اقلام غذایی را به یهودیان می‌فروختند، تا آن‌ها پس از احتکار در بازار سیاه به فروش برساند. در اهواز در گزارشی مربوط به سال ۱۳۲۲ ش، معلم صیون که از بازرگانان کلیمی بود؛ معادل نود هزار و پانصد و نود و دو کیلو لوبیا احتکار کرده بود؛ پس از دست‌گیری به پرداخت هشت‌صد و شصت و بیست و هفت ریال غرامت نقدی و سه ماه حبس محکوم شدند (اطلاعات، شماره‌ی ۵۳۹۱، ۱۸ بهمن ۱۳۲۲: ۱). هم‌چنین عده‌ای از اهالی دزفول به واسطه پیش آمدن گرانی، گندم موجود خود را در انبارها مخفی کرده و به بهای غیرقانونی می فروختند. هر چند ماموران اقتصادی این انبارها را کشف کردند (همان، شماره‌ی ۴۷۴۸، ۴ دی ۱۳۲۰: ۴). اما در دزفول قیمت نان به علت احتکار به شدت افزایش یافته و اغلب نانوایی‌ها تعطیل شدند؛ به‌طوری که وحشت عجیب و غریبی عموم اهالی را فرا گرفته و از آینده‌ی خود سخت بیم‌ناک شدند (همان، شماره‌ی ۴۸۱۶، ۱۵ اسفند ۱۳۲۰: ۱).

۸٫۳. کمبود وسایل کشاورزی

وزارت امور خارجه ایران در تلگرافی به مقامات انگلیس در سال ۱۳۲۰ ش، ضمن درخواست ارسال گندم توسط انگلیسی‌ها برای کمک به مبارزه با بروز قحطی در ایران ؛ قدیمی و به روز نبودن وسائل کشاورزی کشور را از عوامل کمی محصولات کشاورزی از جمله گندم در ایران می‌دانند (ساکما: ۷۲۵۶۳/ ۳۱۰). با کمبود تجهیزات کشاورزی در خوزستان پیشنهاد تاسیس بانک کشاورزی درشهرهای این استان به‌منظور اعطای سرمایه برای تهیه‌ی وسیله برای کشت گندم به ویژه در شهرهایی هم‌چون دزفول مطرح شد (اطلاعات، ۴۶۷۰ یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۲۰: ۱). هم‌چنین کمیسیونی در وزارت کشاورزی در سال ۱۳۲۲ ش، برای تهیه‌ی وسایل مقدماتی برای شخم اراضی تشکیل شد (ساکما: ۲۵۷/ ۳۵۵).

۵. تدابیر دولت برای بهبود کشاورزی خوزستان

۱٫۵. سیاست افزایش تشویقی قیمت خرید گندم

دولت برای تشویق کشاورزان به کار و هم‌چنین برای جلوگیری از قاچاق و احتکار گندم تصمیم گرفت؛ دست به سیاست تشویقی افزایش قیمت خرید تضمینی گندم بزند. بنابراین، قیمت خرید انحصاری گندم را دو برابر کرد (روزنامه‌ی اطلاعات، شماره‌ی ۴۶۶۰، ۳ مهر ۱۳۲۰: ۱). اما با توجه به این‌که قیمت گندم در بازار آزاد خیلی بیش‌تر از قیمت واقعی بود (مشروحه مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۵۱، میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۵۰)، دولت بار دیگر در خرداد ۱۳۲۱ ش، قیمت خرید گندم را بالا برد و بهای تضمینی گندم را در مهرماه ۱۳۲۱ ش، ۱۸۰۰ ریال تعیین کرد (اطلاعات، شماره‌ی ۴۹۰۹، ۲۵ خرداد ۱۳۲۱: ۱). سپس شریدان مستشار آمریکایی خوار و بار که تازه به استخدام دولت درآمده بود، در ۲۱ مهر ۱۳۲۱ ش، مقررات جدید را برای خرید و فروش گندم اعلام کرد که بر اساس آن قیمت هر تن گندم در تعدادی از استان‌ها از جمله خوزستان ۳۰۰۰ ریال تعیین شد (همان، شماره ۵۰۲۲، ۲۱مهر ۱۳۲۱: ۱).

با توجه به وضعیت بغرنج کشاورزی، هیأت مدیره‌ی سازمان اقتصادی دولت در سال ۱۳۲۴ ش، تصمیم گرفت که در آن سال هریک از شهرستان‌های غله‌خیز کشور را به‌طور جداگانه تحت مطالعه و بررسی قرار دهد. در نهایت تصمیمات سازمان اقتصادی دولت در مورد خوزستان به شرح زیر بود: ۱. در خوزستان از ۵ حوزه به شرح زیر گندم خریداری شود؛ از اهواز هر تن به قیمت ۳۰۰۰ ریال، شوشتر هر تن به مقدار ۲/۸۰۰ ریال، دزفول هر تن به قیمت ۲/۸۰۰ ریال، رامهرمز هر تن ۲۰۰۰، بهبهان ۲/۶۰۰ تن. نرخ خرید جو در هریک از نقاط بالا نصف بهای گندم تعیین می‌شود و از هر یک از مالکان معادل نصف تهیه گندم، تعهد فروش جو دریافت شود

(روزنامه‌ی اطلاعات، شماره‌ی ۵۷۴۴، ششم اردیبهشت ۱۳۲۴: ۱). در سال ۱۳۲۴ دولت گندم زارعان خوزستان را با قیمتی بین ۲۶۰۰ تا ۳۰۰۰ ریال، خریداری کرد؛ این روش نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی کشاورزان داشت (همان).

۲٫۵. تشکیل بازارچه‌های مرزی

با ورود متفقین به خوزستان، همه‌ی اتاق‌ها، انبار، محوطه، اسکله‌ها و حتی منزل‌های کارمندان گمرک در بندر شاپور (بندر امام خمینی) کنونی در اختیار ارتش انگلیس قرار گرفت. هم‌چنین تمام محوطه‌های گمرک خرمشهر و پنج انبار بزرگ نیز از مهر ماه سال ۱۳۲۲ ش، تا ۱۷ اسفند این سال در اختیار ارتش آمریکا درآمد (ساکما، ۱۶۹۹۶/ ۲۴۰). انگلیسی‌ها حتی تعدادی از کارمندان گمرک بندر شاپور را به اهواز انتقال دادند و کنترل بندر را در اختیار گرفتند (اسنادی از اشغال جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۲۹). در خصوص اهمیت بنادر خرمشهر و شاپور در ارسال اقلام کمکی به روسیه لازم به ذکر است که ۹۵ درصد از محصولاتی که به طرف شمال ارسال می‌گردید؛ از این بنادر وارد می‌شده است (ساکما، ۱۶۹۹۶/ ۲۴۰). دخالت انگلیس در گمرک تا حدی بود که علاوه بر عدم پرداخت عوارض گمرکی، با تسلط بر گمرک در شرایط قحطی و گرانی در کشور مواد غذایی را از کشور خارج می‌کردند (همان). در این زمان دیگر ترخیص کالا برای مصارف داخلی در اولویت نبود (آوری، ۱۳۷۷: ۲۱۵). از سوی دیگر، به‌خاطر بالا بودن قیمت گندم در کشور عراق و از بین رفتن قوای تأمینیه و ضعف عمل‌کرد گمرک، قاچاق کالا در مناطق مرزی به‌شدت افزایش یافته بود؛ گذشته از بازرگانان و کاسبان خرده پا، حتی عده‌ای از عشایر و هم‌چنین مرز نشینان به قاچاق کالاها در مرزها مشغول بودند (ساکما: ۲۳۱۰ - ۲۴۰). بنا به گزارشاتی از خرمشهر در این دوره قاچاقچیان، خوار و بار، گله و اغنام را از مرز خوزستان خارج می‌کردند و مسؤولان گمرک هم با وجود اطلاع دقیق، هیچ اقدامی برای مقابله با آن، انجام نمی‌دادند (همان: ۱۶۱۰۳/ ۲۴۰).

از این‌رو، دولت برای کنترل مبادلات در مناطق مرزی مقرراتی را تصویب کرد؛ طبق مقررات بازرگانی مرزنشینان کشور حق داشتند، که تا میزان معینی کالاهای به‌خصوص را بدون تعهد فروش ارز و دریافت گواهینامه صدور، صادر کرده و برابر آن مایحتاج خویش را نیز، بدون مؤافقت‌نامه‌ی ورود و خرید گواهینامه صدور، وارد نمایند. هم‌چنین طبق تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران که بنا به پیشنهاد وزارت اقتصاد و بازرگانی در آبان ۱۳۲۰ ش، صادر گردیده؛ میوه‌های تازه هم بر اقلام کالاهای مجاز صادراتی، افزوده شده است و بندر خرمشهر هم در عداد شهرهایی که مبادله مرزی دارند؛ درآمد (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۴۷۱۰، ۲۶ آبان ۱۳۲۰: ۱).

۳٫۵. تشویق به کشت بهاره

نظر به اهمیت کشت بهاره برای تامین خوار و بار اعتباری برای تهیه‌ی بذر برای کشت بهاره در سال ۱۳۲۰ ش، تخصیص داده شد (ساکما، شماره‌ی ۵۳۱۳۴/ ۲۴۰). در همین سال به‌دلیل نبود بذر کافی در خوزستان، دو هزار تن گندم مرغوب از گندم ورودی هندوستان تحت نظر یک کمیسیون بین کشاورزان تقسیم و کشت آن نیز تأمین شد. بدین وسیله کشاورزان به کشت بهاره تشویق شدند (اطلاعات، شماره ۴۸۰۲، ۲ اسفند ۱۳۲۰: ۱). پیش‌تر نیز، در شهرهای خوزستان مانند دزفول گندم برای بذر بین کشاورزان و مالکان پخش شده بود تا برای کشت اقدام نمایند (روزنامه اطلاعات، شماره ۴۷۴۹، ۵ دی ۱۳۲۰: ۳). هم‌چنین تعداد زیادی نهال برای کاشت توسط رییس آفات لرستان که برای نظارت بر کشاورزی خوزستان تعیین شده بود، به خوزستان آورده شد و طی آگهی مراتب به کشاورزان اطلاع داده شده که برای دریافت درخت‌های بارور و بی‌بار مراجعه کنند (همان، شماره ۴۷۸۸، ۱۷ بهمن ۱۳۲۰: ۱). در ادامه حمایت‌های دولتی از کشت بهاره در سال ۱۳۲۱ ش، هزار تن گندم به بنادر جنوب تخصیص داده شد که از این مقدار ۱۵۰ تن به مناطق گرمسیر عباسی و مابقی به شهرهای خوزستان از جمله اهواز داده شد (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۱۰۹، ۲۴ آبان ۱۳۲۱ ش).

در سال ۱۳۲۲ ش، از اعتبار ۱۲ میلیون ریالی که بانک کشاورزی در اختیار وزارت کشاورزی گذاشته بود، بخشی به کشت بهاره تخصیص یافت؛ از مبلغ بالا هشت ملیون و سی‌صد و ده هزار ریال طبق صورت به شهرستان‌ها فرستاده شد. این مبلغ در تاریخ ۳۰ اسفند به همه‌ی شهرستان‌ها حواله شد که فورا با نظر کمیسون محلی شروع به کار نماید. وزارت زراعت ضمن تلگراف به شهرستان‌ها دستور داد که راجع به پیش‌رفت کارهای کشاورزی در وهله‌ی اول موضوع کشت بهاره را به نحو احسن انجام داده و در آخر هفته نتیجه‌ی اقدامات خود را گزارش دهد (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۱۴۹، ۷ فروردین ۱۳۲۲: ۱). هم‌چنین در این سال بنا به پیشنهاد وزارت کشاورزی گندم و جوی مازاد ورودی از هندوستان به خوزستان و نیز دو استان فارس و کرمان تحویل شد (ساکما، شماره‌ی ۶۴۶۲۱/ ۳۱۰).

در سال ۱۳۲۳ ش، به پیشنهاد وزارت کشاورزی و موافقت وزارت دارایی مقررات زیر برای توسعه کشت بهاره تصویب شد؛ طبق برنامه‌های این وزارت‌خانه در هر شهرستان کمیسیونی مرکب از فرمان‌دار، رییس دارایی و خوار و بار و رییس کشاورزی و نماینده‌ی بانک کشاورزی تشکیل شود که وظیفه‌ی آن اجرای برنامه‌ی بهاره شهرستان‌های مربوطه بوده و حق داشته باشد در مواقعی که لازم بدانند؛ بدون رعایت مقررات معمولی از قبیل مناقصه یا کسب دستور از مرکز

که باعث از دست رفتن وقت می‌شود؛ هر اقدامی را ضروری تشخیص می‌دهند، بی‌درنگ به عمل آورند و مراتب را فوری به کمیسیون مرکزی گزارش دهد. هم‌چنین به بانک کشاورزی اجازه داده شد که مبلغ ۱۲ میلیون ریال وامی که در سال گذشته به کمیسیون کشت بهاره داده شده را برای یک‌سال دیگر تمدید و تنها، بهره و کارمزد آن را به صدی شش دریافت کنند (روزنامه اطلاعات، شماره ۵۴۴۴، ۳۰ فروردین ۱۳۲۳: ۱).

۴٫۵. فرستادن متخصص و ایجاد «شرکت کشاورزی» درخوزستان

دولت مرکزی با افزایش مشکلات کشاورزی خوزستان تصمیم به اعزام کارشناس برای بررسی کشاورزی خوزستان گرفت. از این‌رو، مستشار آب‌یاری پروفسور وینسور در ۲۷ دی ماه ۱۳۲۰ ش، به خوزستان آمد و در مورد وضعیت آب‌یاری این استان بررسی کامل انجام داد و گزارشی را در این خصوص تهیه کرد (اطلاعات، شماره‌ی ۴۷۷۰، ۲۷ دی ماه ۱۳۲۰). هم‌چنین یوسف مفخم صنیعی در سال ۱۳۲۰ ش، به سِمت پیش‌کار دارایی خوزستان و عضو هیئت مدیره‌ی شرکت کشاورزی خوزستان منصوب شد (ساکما، ۱۰۹۸۱/ ۲۴۰). کلنل نوئل نیز، در معیت روح‌الله خادم آزاد برای تمشیت امور کشاورزی خوزستان در سال ۱۳۲۱ ش، به این منطقه اعزام شدند (همان، ۱۱۲۷۲/ ۲۵۱). شرکت کشاورزی از اواخر سال ۱۳۲۲ش، و اوایل ۱۳۲۳ ش، در تداوم اقدامات خود در زمینه کشاورزی درخواست وارد کردن ماشین‌های کشاورزی را مطرح کرد. وزارت کشاورزی تهیه ماشین‌های مورد نظر و ماشین آلات برای شیره کشی نی‌شکر در آهو دشت را با جدیت پیگیری کرد (همان، ۴۷۱۳۳/ ۳۱۰). شرکت کشاورزی در شوشتر نیز، اقدام به نصب دستگاه هیدرولیک و قندسازی کرد (همان، ۶۴۸۷۹/ ۳۱۰). هم‌چنین به‌منظور رفع کم آبی در استان شرکت سهامی آب‌یاری اهواز در ۱۴ مرداد ۱۳۲۳ ش، ایجاد شد (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۵۵۵، ۱۱ شهریور ۱۳۲۳: ۴).

۵٫۵. مبارزه با ملخ زدگی

با افزایش هجوم ملخ به زمین‌های کشاورزی در کشور در سال ۱۳۲۰ ش، دولت کلیه‌ی نواحی آلوده‌ی جنوب و نقاطی را که ممکن است در خط سیر پرواز ملخ‌ها باشند یا در آینده آلوده شوند، به ۴ منطقه‌ی بزرگ خوزستان، فارس، کرمان و بلوچستان تقسیم کرد. هم‌چنین در هر یک از این قسمت‌ها سازمان مرتب و منظمی برای مبارزه با این ملخ‌ها قرار داده شد. بهترین روش برای نابودی ملخ‌های مهاجم، مبارزه شیمیایی بود. این روش عبارت از خوراندن ملغمه مسموم به نوزادان ملخ بود. طعمه‌ی مسموم از آرد جو با سبوس مخلوط با سم آرسنیک تهیه می‌شد. در این زمان ۱۴ تن از این سم و دویست تن سبوس برای نابودی ملخ‌ها به خوزستان

ارسال گردید (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۴۸۰۰، ۲۹ بهمن ۱۳۲۰: ۱، ۳). هم‌چنین در این زمان دفع آفات خوزستان و بهبهان تحت نظر کشاورزی لرستان قرار گرفت و رییس کشاورزی لرستان برای بررسی ملخ زدگی به خوزستان سفری داشت (همان، شماره‌ی ۴۷۸۸، ۱۷ بهمن ۱۳۲۰: ۱). متعاقب آن در سال ۱۳۲۱ ش، تامین اعتبار عملیات هوایی دولت شوروی برای دفع ملخ در خوزستان انجام شد (ساکما، ۶۳۹۲۸/ ۳۱۰). در سال ۱۳۲۲ ش، در اهواز نیز آقای غلام‌علی مقیری که از چندی قبل به ریاست سازمان مالی دفع آفات نباتی استان ششم منصوب شده بود، در تاریخ بیست و ششم مهر وارد اهواز شد، تا به وضعیت ملخ زدگی خوزستان رسیدگی کند (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۳۱۵، شانزدهم آبان ماه ۱۳۲۲: ۱). دولت هم‌چنین پرداخت کل هزینه‌های ملخ زدایی را در این زمان بر عهده گرفت (ساکما، ۴۷۱۶۲ / ۳۱۰؛ ۶۳۹۵۹ /۳۱۰؛ ۷۲۱۰۲ / ۳۱۰).

۶/۵. مبارزه با احتکار

دولت در این زمان به‌منظور تشویق مالکان و دهقانان برای فروش مازاد جنس خود و تامین قند مورد نیاز دهقانان تصمیم گرفت، تا به جای پرداخت قیمت غله به کشاورزان قند تحویل داده شود. بنابراین، اعلام شد که برای ماه اول ۱۵٪ قیمت غله و ماه بعد ۱۰ % و برای ماه بعد ۵ % مقرر گردیده است. طبق اعلام رسمی، پس از آن مقادیر مازاد غله تحویل داده نشده؛ به‌عنوان احتکار محسوب می‌شد و به نفع دولت ضبط خواهد شد. بر این اساس، ابتدا مبادله‌ی قند در اهواز اجرایی گردید و مقدار زیادی گندم در حدود سه هزارتن در ماه‌های نخست گردآوری شد و به‌منظور تضمین تقسیم عادلانه قند میان «دهقانان» تصمیم گرفته شد از هر فرد تنها، دو تن غله طبق نقشه‌ی مبادله‌ی غله با قند تحویل شود (روزنامه اطلاعات، ۲۲ بهمن ۱۳۲۲، شماره ۵۳۹۴: ۱). میزان تعهد استان خوزستان تحویل ۱۴/۰۳۳ تن تا پایان آذر ۱۳۲۲ بود (همان).

۷/۵. بهبود وضعیت حمل و نقل

پس از شکایات متعدد در خصوصی خرابی محصولات خوزستان به‌خصوص خرما، کمیسیونی برای تجدید نظر در ترتیب سابق حمل جنوب کشور به شهرها و بندرهای شهرهای ساحلی اعزام گردید (کمام، ۲۲۷۸/ ۲۹/۳۸). هم‌چنین وزارت دارایی در سال ۱۳۲۲ ش، برای بالا بردن سرعت حمل و نقل محصولات از جنوب به افزایش قطار و واگن برای حمل و نقل کالاها اقدام کرد (ساکما، ۱۰۹۲۷۰/ ۲۴۰). در شهریور ۱۳۲۳ در شهرهای بزرگ سرویس مرتب باربری ایجاد شد و نرخ باربری کاهش یافته و میزان آن به‌طور رسمی اعلام شد (روزنامه اطلاعات، شماره‌ی ۵۵۵۰، ۵ شهریور ۱۳۲۳: ۴).

نتیجه

اشغال کشور توسط متفقین و متعاقب آن کنترل مناطق استراتژیک کشور به وسیله‌ی اشغال‌گران به‌خصوص در استان نفت خیز و حاصل‌خیز خوزستان با حساسیت و سخت‌گیری زیادی توسط نیروهای انگلیسی و آمریکایی صورت می‌گرفت. این موضوع به‌انظمام عوامل دیگری موجب شد تا معیشت مردم و کشاورزی این منطقه در این برهه‌ی زمانی با مشکلات زیادی مواجه شود. از آن‌جا که در این زمان تمام امکانات حمل و نقل کشور از جمله راه آهن جنوب، راه‌های دریایی و راه شوسه به‌منظور انتقال ملزومات مورد نیاز شوروی در اختیار متفقین قرار گرفته بود؛ انتقال محصولات کشاورزی خوزستان با مشکلات و وقفه‌ی مواجه شده بود؛ در نتیجه بخش اعظم محصولات کشاورزی صادراتی خوزستان مانند خرما و سبزیجات در داخل استان از بین می‌رفت. از سوی دیگر، با اشغال کشور بخش زیادی از اقلام غذایی و محصولات کشاورزی توسط متفقین مورد استفاده قرار می‌گرفت یا به‌طور قاچاقی از کشور خارج می‌شد. هم‌چنین برخی از فروشندگان و واسطه‌ها با هدف گران‌تر فروختن اجناس، به احتکار آنان می‌پرداختند. این اقدامات موجب کمبود اقلام غذایی و محصولات کشاورزی مورد نیاز مردم می‌شد. از سوی دیگر، در این زمان تعدی به زمین‌های کشاورزان نیز امنیت کشاورزان را به‌خطر انداخته بود. دست اندازی به زمین‌های کشاورزی محدود به متفقین نمی‌شد و تعدادی ازمقامات محلی، خوانین و اشرار نیز با سوء استفاده از وضعیت موجود برای کشاورزان، مشکلاتی را به وجود می‌آوردند. افزون بر آن برخی عوامل طبیعی نیز، در این زمان لطماتی به کشاورزی وارد کردند. از این عوامل طبیعی باید به کمی بارندگی در سال‌های ۱۳۲۰ (به جز ماه‌های آخر) و ۱۳۲۳ ش و هجوم ملخ‌ها به مزارع کشاورزی به‌خصوص در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۲ ش، اشاره کرد. بسیاری از کشاورزان.با توجه به این مشکلات، زمین‌های کشاورزی را رها کرده و به‌عنوان کارگر در تأسیسات و کارخانه‌های متفقین مشغول به کار شدند.

کمبود اقلام و شیوع قحطی در این زمان در خوزستان نسبت به سایر استان‌ها بیش‌تر بود؛ زیرا در این استان علاوه بر افول نسبی کشاورزی، جمعیت استان به‌دلیل حضور متفقین و هم‌چنین هجوم کارگران از اقصی نقاط کشور برای کار در تأسیسات و کارخانه‌های اشغال‌گران افزایش یافته بود. در نهایت دولت مرکزی برای بهبود وضعیت کشاورزی استان و تهیه‌ی اقلام غذایی دست به اقداماتی زد. این اقدامات عبارت بودند از ۱. تلاش برای تجهیز کشاورزی خوزستان از طریق فرستادن کارشناس، تأسیس شرکت آب‌یاری و تهیه‌ی ماشین آلات مجهز. ۲. تشویق کشت بهاره به منظور افزایش محصولات کشاورزی ۳. مبارزه با ملخ زدگی ۴. ایجاد

بازارچه‌های مرزی و اجازه‌ی مبادله‌ی محدود محصولات کشاورزی و اقلام غذایی در این بازارچه‌ها ۵. مبارزه با احتکار و نظارت بر تقسیم اقلام ضروری در میان مردم. دولت با این اقدامات هر چند نتوانست، مشکلات کشاورزی خوزستان را به‌طور کامل مرتفع کند؛ اما تا حدی توانست وضعیت کشاورزی استان را بهبود دهد و موجب افزایش محصولات کشاورزی این منطقه شود. هم‌چنین قیمت ارزاق عمومی نیز در نتیجه‌ی این اقدامات بهبود یافت.

فهرست منابع و مآخذ

الف. کتاب‌ها و مجلات (مقالات)

۱. آبادیان، حسین (۱۳۸۵)، «قدرت‌های بزرگ و اشغال ایران در جنگ جهانی دوم»، فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۸، صص ۱۷۲ - ۱۳۷.

۲. آوری، پیتر (۱۳۷۷)، تاریخ معاصر ایران، ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات عطایی، چاپ سوم.

۳. الهی، همایون (۱۳۶۱)، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.

۴. استوارت، ریچارد (۱۳۷۰)، در آخرین روزهای رضاشاه، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشر نو، چاپ اول.

۵. اسکرین، کلرمونت (۱۳۶۳)، جنگ جهانی در ایران (خاطرات)، ترجمه‌ی غلام حسین صالح یار،تهران، نشر سلسله.

۶. اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۸۹)، ج۱، تهران، خانه کتاب.

۷. امام (اهوازی)، سید محمد علی (۱۳۷۹)، تاریخ خوزستان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۸. پور بختیار، غفار (۱۳۸۶ - ۱۳۸۷)، «رضا شاه و طرح اسکان اجباری عشایر بختیاری»، فصل‌نامه مسکویه، شماره ۸.

۹. تبرائیان، صفاالدین (۱۳۷۱)، ایران در اشغال متفقین، تهران، نشر رسا.

۱۰. خان ملک یزدی، محمد (۱۳۲۴)، ارزش مساعی ایران در جنگ (۴۵ - ۱۹۳۹)، تهران، وزارت کشاورزی، چاپ اول.

۱۱. جلال‌پور، حسن؛ محمدی، امیر (۱۳۹۱)، «پیامدهای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰»، فصل‌نامه پژوهش در تاریخ، شماره‌ی ۴ (پیاپی ۹)، سال سوم، زمستان.

۱۲. چرچیل، وینستون (۱۳۶۱)، خاطرات جنگ جهانی دوم، ترجمه‌ی تورج فرازمند، تهران، انتشارات نیل.

۱۳. ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران، نشر پاژنگ.

۱۴. شجاعی دیوکلایی، سیدحسن (۱۳۹۴- ۱۳۹۵)، «ظهور و افول کشاورزی صنعتی در دوره‌ی رضا شاه»، فصل‌نامه تاریخ ایران، شماره ۱۹ (پیاپی ۷۷)، صص ۱۴۰ - ۱۱۵.

۱۵. شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۷۲)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، انتشارت دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۶. طیرانی، بهروز (۱۳۸۴)، اسناد احزاب سیاسی ایران، حزب توده، ج ۱، تهران، کتاب‌خانه جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. فرخ، معتصم السلطنه (بی‌تا)، خاطرات سیاسی فرخ، بی‌جا، انتشارات جاویدان.
۱۸. فوران، جان (۱۳۸۶)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، انتشارات رسا.
۱۹. قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۲۵)، «عشایر خوزستان (طوایف میان آب)»، مجله یادگار، سال سوم، شماره‌ی ۸، صص ۲۸ - ۲۲.
۲۰. گل‌شائیان، عباس‌قلی (۱۳۷۷)، گذشته و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من، تهران، انیشتین
۲۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی هشتم قانون‌گذاری، ۲۳ آذر ۱۳۱۰ش، جلسه‌ی ۵۷؛ مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، ۲۴ آبان ۱۳۲۱ ش، جلسه ۱۰۹؛ دوره ۱۳، جلسه ۱۰۹، ۲۴ آبان ۱۳۲۱ ش؛ دوره ۱۸ م ۲۷ فروردین ۱۳۳۴، جلسه ۱۰۹؛ دوره سیزدهم، جلسه ۱۶۳، ۱ خرداد ۱۳۲۲؛ مذاکرات مجلس دوازدهم، دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۲۰.
۲۲. میلسپو، آرتور (۱۳۷۰)، آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز.
۲۳. همایونی، فضل‌الله (۱۹۸۴)، خاطرات (روایت کننده: تیمسار فضل‌الله همایونی، مصاحبه کننده: حبیب لاجوردی، محل مصاحبه: لندن - انگلیس، سایت دانشگاه هاروارد: پروژه تاریخ شفاهی ایران، نوار شماره ۲ و ۳.
۲۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۷)، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران، انتشارات پیکان.

ب. اسناد و مدارک

۲۵. اسناد
۲۶. کتاب‌خانه و اسناد ملی (ساکما)، شناسه‌های: ۹۹۱۹ - ۲۴۰؛ ۰۰۲۷۹۷/ ۳۱۰؛ ۱۰۲۸۰/ ۳۱۰؛ ۱۷۹۲/ ۲۹۰؛ ۱۸۲۰/ ۲۹۰؛ ۱۱۴۰/ ۲۹۰؛ ۱۰۲۸۰/ ۳۱۰؛ ۱۰۲۸۰/ ۳۱۰؛ ۱۷۰۶۱/ ۳۱۰؛ ۱۷۰۸۰ / ۳۱۰؛ ۱۶۶۴۰ - ۲۴۰؛ ۴۵۷۲۱ /۲۳۰؛ ۱۰۲۸۰ /۳۱۰؛ ۰۰۰۳۱ - ۲۹۰؛ ۳۱۶۵۲/ ۳۱۰؛ ۳۱۶۵۲/ ۳۱۰؛ ۴۵۹۴۲/ ۲۳۰؛ ۱۶۱۲/ ۲۴۰؛ ۳۵۵/۲۵۷؛ شماره ۶۴۶۲۱/

۳۱۰؛ ۴۷۱۳۳/ ۳۱۰؛ ۶۴۸۷۹/ ۳۱۰؛ ۱۱۲۷۲/ ۲۵۱؛ ۱۰۹۸۱/ ۲۴۰؛ ۳۲۱۷/ ۳۱۰؛ ۲۹۳/۴۰۷۸؛ ۲۴۰/۱۴۳۹؛ ۷۲۵۶۳/ ۳۱۰؛ ۱۶۱۲/ ۲۴۰؛ ۶۳۹۲۸/ ۳۱۰؛ ۵۴۵/ ۲۶۰/ ۹۷؛ ۹۴۷۷/ ۹۷۲۹۳؛ ۴۷۱۶۲/ ۳۱۰؛ ۶۳۹۵۹/ ۳۱۰؛ ۷۲۱۰۲: ۳۱۰.

ج. کتاب‌خانه و اسناد مجلس (کمام) .i

۱۰۱۱/۱۴/۹۸/۳۹/۱/۶؛ ۱۰۱۱/۱۳/۲۶/۳۸/۱/۱۳۴–۱۰۱۱؛ ۲۹/۳۸/۲۲۷۸ ؛ ۱۰۱۱/۹۶/۲۹/۱/۲۰۴.

د. روزنامه‌ها:

۲۷. روزنامه اطلاعات، شماره‌های: ۵۵۱۱؛ ۱۷ تیر ۱۳۲۳؛ شماره ۴۷۱۷: ۱۳ آذر ۱۳۲۰؛ شماره ۴۸۴۴، ۲۲ فروردین ۱۳۲۱؛ شماره‌ی ۴۷۴۷، ۳ در ۱۳۲۰؛ شماره ۵۴۲۲، ۲۸ اسفند ۱۳۲۲؛ شماره ۵۳۱۹، ۲۱ آبان ۱۳۲۲؛ شماره ۵۳۱۹، ۲۱ آبان ۱۳۲۲؛ شماره ۵۵۵۵، ۱۱ شهریور ۱۳۲۳؛ شماره ۵۲۰۷، دوشنبه ۶ تیر ۱۳۲۲؛.شماره ۵۳۹۴، ۲۲ بهمن ۱۳۲۲؛ شماره ۵۳۱۵، شانزدهم آبان ماه ۱۳۲۲؛ شماره ۴۷۸۸، ۱۷ بهمن ۱۳۲۰؛ شماره ۴۸۰۰، ۲۹ بهمن ۱۳۲۰؛ شماره ۵۵۵۵، ۱۱ شهریور ۱۳۲۳؛ شماره ۵۴۴۴، ۳۰ فروردین ۱۳۲۳؛ شماره ۴۷۴۹، ۵ دی ۱۳۲۰؛ شماره ۴۸۰۲، ۲ اسفند ۱۳۲۰؛ شماره ۴۷۸۸، ۱۷ بهمن ۱۳۲۰؛ شماره ۵۲۰۷، ۱۴ خرداد ۱۳۲۳؛ شماره ۵۲۰۷، دوشنبه ۶ تیر ۱۳۲۲؛ شماره ۵۱۷۲، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۲؛ شماره ۵۱۱۱۴، یکشنبه ۱۵ آبان ۱۳۲۲؛ شماره ۵۱۱۱۴، یکشنبه ۱۵ آبان ۱۳۲۲؛ شماره ۵۵۶۰، ۱۶ شهریور ۱۳۲۳؛ شماره ۴۷۵۵، ۱۱ دی ماه ۱۳۲۰؛ شماره ۴۸۴۴، ۲۲ فروردین ۱۳۲۱؛ شماره ۵۵۶۰، ۱۶ شهریور ۱۳۲۳؛ شماره ۵۱۷۲، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۲؛ شماره ۵۷۴۶: ۹ اردیبهشت ۱۳۲۴؛ ۱۷۹۲/ ۲۹۰؛ شماره ۴۸۱۶، ۱۵ اسفند ۱۳۲۰؛ شماره ۴۸۱۶، ۱۵ اسفند ۱۳۲۰؛ شماره ۵۵۴۵، ۳۰ مرداد ۱۳۲۲؛ شماره ۵۳۸۶، ۱۲ بهمن ۱۳۲۲؛ شماره ۵۴۵۶، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۳؛ شماره ۵۵۱۲، ۱۸ تیر ۱۳۲۳؛ شماره ۵۸۸۶، ۲۶ مهر ۱۳۲۴؛ روزنامه اطلاعات؛ شماره ۵۸۸۷، ۲۸ مهر ۱۳۲۴؛ شماره ۴۸۵۷، ۴ اردیبهشت ۱۳۲۱؛ شماره ۵۳۹۱، ۱۸ بهمن ۱۳۲۲؛ شماره ۴۷۴۸، ۴ دی ۱۳۲۰؛ شماره ۴۸۱۶، ۱۵ اسفند ۱۳۲۰، شماره ۴۷۳۰: ۱۶ آذر ۱۳۲۰.

۲۸. روزنامه کوشش: ۱۳۰۶ ش، شماره ۴۱.

روزنامه ستاره ایران: ۱۳۰۶ ش، شماره ۱۸۳.